بسم الله الرحمن الرحیم....

مباحثه سوم / سوره مبارکه نصر / هشتم فروردین 1393

سوالات مباحثه:

معنای حقیقی تسبیح، حمد و استغفار و نقش این سه مهم ، در رشد و تعالی و ارتقاء سطح حکومت دینی چیست؟

نقش ویژه رهبران دینی را در این زمینه چگونه ارزیابی می کنید؟

ارتباط این سه امر با نصرالله را چگونه توجیه می نمایید؟

جمع آوری نظرات :

روز گدشته مهمان خان نعمت سوره مبارکه" نصر" بودیم وطبق نظرات پربار دوستان به این جمع بندی رسیدیم که:

در ابتدا به تعریفی از سه واژه مهمی که در این سوره بیان شده است می پردازیم و سپس ارتباط این سه کلمه باهم در متن سوره و در جامعه را بیان می کنیم:

سبح: حرکت در مسیر حق بدون انحراف ونقطه ضعف و نقص،به نوعی حالت راه رفتن تندی که از دویدن آرامتراست

حمد: ستایش در مقابل کار زیبایی است که از روی اختیارانجام شود

استغفار:ریشه ی این کلمه عفر به معنای محو اثر است و از آنجایی که این واژه بر باب استفعال است به نوعی طلب برای محو اثر اشاره دارد

جالب است بدانیم این سوره به نحوی یک راه بی پایان و چرخه ای برای حرکت و ارتقا را نشان می دهد،یعنی با برطرف کردن نقایص وحرکت به سمت کمال از جانب خداوند نصر وبدنبال آن فتح وگشایشی حاصل می شودکه این پایان راه نیست و خود نقطه ای برای شروع دوباره است ولی این بار یک پله بالاتر...  
می توان نتیجه گرفت تشکیل جامعه دینی به نوعی فتح محسوب می شود که برای حفظ این جامعه پیاده سازی این چرخه لازم است. به این صورت که جامعه ای که تسبیح داشته باشه مداوم از نقص ها و نقاط ضعفش دور میشود و به الله که همان سرچشمه فتح ونصر است نزدیکتر میشود و البته این موضوع در شکل اعلی اش نیاز به طراحی سیستم و وجود فضا و موقعیت هایی دارد که نقش رهبران دینی را پر رنگ میکند.

هرجامعه ای که هدفی جز جریان داشتن وسیر الی الله ندارد،نیازمند ترسیم برنامه و چشم اندازیست که از جانب خود خداوند برایش ترسیم شده است(دین) و افراد برای رسیدن به این افق موظف به اطاعت و خضوع در مقابل این برنامه (باید ها و نباید ها) هستند و از طرفی در این مسیر وجود رهبری بصیر به عنوان پیشرو برای شناسایی نواقص و انحرافات و نقاط قوت و تعالی ، و هم چنین طراحی سیستمی که جامعه را در مسیر رفع این نواقص و ارتقا نقاط قوت قرار دهد لزوم پیدا میکند... پس می توان در یک جمله نقش رهبر جامعه دینی خلاصه کرد که آن درک نواقص ونقاط قوت جامعه است.

روشن است که به میزانی که رهبر دینی این جامعه قوی تر عمل کند،طراحی آن سیستم هم قوی تر خواهد بود...پس می توان چنین نتیجه گرفت که تسبیح ،حمد واستغفار رهبر یک جامعه  باید بیش از اعضای آن جامعه باشد...

طبق آیات ابتدایی،از آنجایی که کلمه" نصر" قبل از "فتح" به کار برده شده ،می توانیم بگوییم خداوند بستر لازم برای طراحی واجرای چنین برنامه ای را در اختیار رهبر وبالتبع افراد جامعه قرارداده است واین بستر همان نصر الهی ست...آنچه که لازمه ی رهبر یک جامعه اسلامی است،توانایی دریافت نصرت الهی وقابلیت عملیاتی کردن آن است.....

یکی از صفات خدا که در این سوره از آن نام برده شده تواب است که ریشه ی آن توب به معنای رجوع و برگشت از گناه است .ازآنجا که" توبه" در ناحیه توجهات انسان قرار دارد،یکی از بزرگترین نعمت های الهی به انسانها به شمار می رود، چراکه سبب تسریع در سیر الی الله می شود وباتوجه به ترکیب کلمه "رب" و"توب" بر می آید که پاک ترین وخالصانه ترین نوع توجه،توجه به مقصود ومعشوق است....و رب به دلیل سوق دهندگی اش، توبه پذیر است؛و چون توبه پذیر است سیستم استغفار را ایجاد کرده است.و سبح و حمد نیز در ذیل و به نوعی در چرخه استغفار است. به بیانی دیگر چون خدا میخواهد ما به طرفش که کمال نهایی است رجوع و حرکت کنیم(توبه) سیستم ولایت(استغفار) را قرار داده که ما را بدون انحراف از صراط به مقام اخلاص برسانند (سبح)که هیچ ناخالصی در آن راه ندارد و اونجاست که می توانیم حامد باشیم

برای یافتن مصداق هایی از "نصر" و"فتح" می توانیم چنین تصویر سازی کنیم که :نصر وفتح بمنزله پی ریزی وبنیان اصلی یک ساختمان است،تسبیح وحمد بمنزله بنا ونمای بیرونی ساختمان است.در زمان پیامبر(ص) ایشان پی وبنیان بنای عظیم اسلام را ریختند وامامان وسیستم ولایت، نما وستونهای بیرونی آن را ساختند....

وحقیقتا تواب وغافر بودن خداوند در این مسیر کم وکاستی هارا محواثر می کندوسرعت را دوچندان.....ومهم توجه ودقت لحظه به لحظه ی طی کنندگان این مسیر به سمت مقصد پاک وناب است.....که این خود لزوم وجود پیشرو ورهبررا برای جامعه اثبات می کند،رهبری که توجه ودقت اوبیش از سایرین است وبالتبع تجلی ای از اسم "رب" است....

شایان ذکراست خداوند بعد از نصر وفتح کلمه "الله" وبعد از تسبیح وفتح واستغفارکلمه "رب"را به کار برده واز آنجا که "الله" جامع همه صفات الهی است پس به کاربردن کلمه رب نشان از اختصاصی شدن تسبیح ،فتح واستغفار از دریچه رب است.اتصال نصر به "الله"حاکی از آن است نصر از آن خداوند است وآن را به هرکس که بخواهد می بخشد...هرزمانی که بخواهد....

طبق کتاب التحقیق حمد به معنی ستایش در مقابل کار زیبایی است که از روی اختیار انجام شده و از آنجا که فقط خداوند است که در آفریدن زیبایی ها اختیار محض داردوانسانها از جانب خداوند فقط به طور اعتباری دارای قدرت اختیار می شوند پس حمد فقط مختص خداوند است وآنچه که به سایرین تعلق می گیرد مدح است نه حمد....

پس حمد یعنی زیبا دیدن ... وآیا چیزی منهای خداوندزیبایی دارد...؟

حمد یعنی در هر لحظه وهر جا خداراببینی ...واین مرتبه حمد است که تسبیح می آورد ،دیدن خداوند است که انسان را نسبت به هر چه غیر اوست دلسرد میکند...

مولایمان علی (ع) می فرمایند:در هیچ چیز نظر نکردم مگر این که خدارا قبل از آن ،بعد از آن وبا آن دیدم...

وچه کار سختی بردوش رهبر یک جامعه خواهد بود،اینکه خداراببیند وبه مردم بنمایاند....

در نتیجه گیری ازاین سوره میتوان عناصر لازم برای ایجاد حرکت و ارتقا در یک جامعه را دریافت که به این شرح است:  
1-نصر  
2- رای که دقت را نشون میدهد و انگیزه ایجاد میکند  
3- ایجاد قوانین و برنامه هایی که افراد ملزم به رعایت آن باشند(باید ها و نبایدها)  
4- شناسایی نواقص و قوت   
5- راه اندازی سیستمی و برنامه ریزی برای رفع نواص و تقویت نقاط قوت  
6- توجه و دقت هر لحظه به هدف وفراموش نکردن آن در راه

به پایان آمد این دفتر ،حکایت همچنان باقی است......

                                                                                               ومن الله توفیق...